

# دکتر رابرت ای. پترسون، روح القدس و اتحاد با مسیح، جلسه ۵، شناسایی عهد عتیق

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر رابرت پترسون در تدریس خود در مورد روح القدس و اتحاد با مسیح است. این جلسه ۵، مبانی اتحاد با مسیح، شناسایی عهد عتیق است.

ما به مطالعه خود در مورد خدای روح القدس و بزرگترین کار نجات بخش او، که متحد کردن مؤمنان با مسیح است، ادامه می‌دهیم.

دیروز، در سخنرانی‌های قبلی، شخصیت، الوهیت و اعمال روح القدس را در عهد عتیق و جدید بررسی کردیم و در نهایت به اعمال او در زندگی عیسی پرداختیم. حال، قبل از اینکه به اتحاد واقعی با مسیح در انجیل یوحنا و سپس به خواست خدا، در نامه‌های پولس بپردازیم، باید در مورد چگونگی اتحاد با مسیح از منظر عهد عتیق انجیل‌های هم‌نوا و اعمال رسولان صحبت کنیم. در این مجموعه‌های کتاب مقدس، اتحاد با مسیح وجود ندارد، اما پایه‌هایی گذاشته شده است.

خداوند پایه‌های اتحاد با مسیح را بنا می‌کند که ما را قادر می‌سازد آن را بسیار بهتر درک کنیم. می‌توانم بگویم که می‌خواهم از او قدردانی کنم؛ من در طول این سال‌ها دستیاران آموزشی فوق‌العاده‌ای داشته‌ام. من در هر سه بخش پایه، از کایل کیتینگ کمک قابل توجهی دریافت کرده‌ام و می‌خواهم از او به خاطر این موضوع قدردانی کنم. همچنین می‌گویم که یافتن این مطالب در هیچ جای دیگری جز کتاب من، «نجات به کار گرفته شده توسط روح، اتحاد با مسیح»، دشوار است.

عهد عتیق پایه و اساس هر آموزه عهد جدید، از جمله اتحاد با مسیح، را فراهم می‌کند، زیرا بخش زیادی از داستان کتاب مقدس را روایت می‌کند. اتحاد با مسیح از خلأ پدیدار نمی‌شود، بلکه مفاهیم معرفی شده در عهد عتیق را تکمیل می‌کند، که این مفاهیم را از پیش، یعنی با مسیح، از پیش، نشان می‌دهد. مفاهیم اصلی که ما استفاده خواهیم کرد، شناسایی، ادغام و مشارکت هستند.

حالا کمی در مورد آنها صحبت خواهیم کرد، چون قرار است از همین سه مفهوم برای عهد عتیق، انجیل‌های هم‌نوا و اعمال رسولان استفاده کنیم، و البته، همان سه را در اتحاد واقعی با مسیح خواهیم دید. شناسایی ادغام، مشارکت. شناسایی به این اشاره دارد که خدا از طریق حضور خود با قوم خود یکی می‌شود و از این طریق به آنها هویت می‌بخشد.

قوم عهد عتیق به این دلیل قوم خدا می‌شوند که خدای زنده و حقیقی آنها را از آن خود می‌داند و از طریق عهد با آنها ارتباط برقرار می‌کند و به این ترتیب، وعده‌ها و حضور او آنها را شناسایی می‌کند و به آنها هویت متمایزی در خاور نزدیک باستان می‌بخشد. بنابراین، اول از همه، شناسایی. ادغام به خلق قومی برای خود توسط خدا اشاره دارد.

از یک مرد و همسرش که از نظر فرزندآوری تقریباً مرده بودند، خداوند به طور معجزه‌آسایی اسحاق و یعقوب و قبایل اسرائیل را از طریق یعقوب به وجود آورد. خداوند قومی را برای خود آفرید. البته این امر، ایمان مردم به مسیح و ورود به یک رابطه شخصی با او از طریق اتحاد با مسیح را پیش‌بینی می‌کند، اما در عین حال، آنها در بدن مسیح، در کلیسا، گنجانده می‌شوند.

بنابراین، اتحاد با مسیح یک اصل نجات‌شناسی فردی، یک اصل نجات فردی، و همچنین یک اصل نجات‌شناسی جمعی یا جمعی است. با ایمان به عیسی، ما به هر شخص دیگری که به عیسی ایمان آورده است، پیوسته‌ایم. باز هم، در اینجا ایده‌هایی که ما به آنها توجه داریم، آورده شده است.

شناسایی، به ویژه از طریق حضور خدا در میان قومش. او به آنها هویتی می‌دهد که قبلاً نداشتند و این آنها را برای همیشه تغییر می‌دهد. رومیان ۱۱، عطایا و دعوت خدا غیرقابل بازگشت است.

من درک می‌کنم که هنوز آینده‌ای برای قوم اسرائیل، برای پسران و نوادگان ابراهیم و سارا وجود دارد. مشارکت. خداوند از ابراهیم و سارا قومی برای خود آفرید و در رهایی از مصر، آنها را به صورت جمعی قوم خود قرار داد.

بنابراین، آنها به عنوان یک قوم به او تعلق دارند، به گونه‌ای که هیچ قوم دیگری در خاور نزدیک باستان به آن تعلق نداشتند. شناسایی، ادغام و مشارکت به سهیم شدن قوم خدا در داستان خدا و حتی زندگی خدا به واسطه تجربیات خود در پیروی وفادارانه از او اشاره دارد. البته، اسرائیل همیشه با ایمان از خدا پیروی نمی‌کرد، و با این حال او به آنها وفادار است، و آنها در داستان او شرکت می‌کنند، زیرا او آنها را به عنوان قوم خاص خود، به عنوان ملتی که قرار است نوری برای جهان باشد، ادعا می‌کند.

بله، آنها تا حد زیادی در این امر شکست خوردند. با این وجود، آنها در روایت خود خدا - مبانی اتحاد با مسیح در عهد عتیق - مشارکت داشتند.

اول از همه، شناسایی، و دوباره می‌گویم: من از همان سه نکته استفاده خواهم کرد. شناسایی، ادغام، مشارکت. برای عهد عتیق، انجیل‌های هم‌نوا و اعمال رسولان.

شناسایی، حضور عهدی خدا با قومش. از همان ابتدا، خدا با قومش شناسایی می‌کند. او آنها را به تصویر خود می‌سازد، پیدایش ۱:۲۷، و اولین سوالی که او از آدم گناهکار پس از سقوط می‌پرسد این است که کجایی؟ پیدایش ۳:۹ اشتیاق مداوم خدا را نشان می‌دهد، اشتیاق مداوم او برای حضور در کنار قومش علیرغم گناه و عصیان آنها.

خداوند با انتخاب ابرام، که بعدها ابراهیم شد، و برقراری عهد خود با او و فرزندانش در پیدایش ۱۵:۱۲ و خود را با یک خانواده خاص یکی می‌داند. در سراسر داستان عهد عتیق، خداوند با حضور در میان قوم، ۱۷ خود، با آنها یکی می‌شود. بنابراین حضور عهدی او به آنها هویتی منحصر به فرد از میان تمام اقوام روی زمین می‌دهد.

این مضمون با پیشروی داستان به سمت تبدیل اسرائیل به قوم خاص خود توسط خداوند، آشکارتر می‌شود. البته، منظور ما از این بحث، هویت مؤمنان به عیسی به عنوان کسانی است که در مسیح هستند. این یک حقیقت شگفت‌انگیز است.

این در نامه‌های پولس نفوذ کرده است. همانطور که بعداً خواهیم دید، در سراسر مقدمه‌های او وجود دارد و گاهی اوقات ما را شگفت‌زده می‌کند. بنابراین، در اول قرن‌های ۱، آیه ۲، پولس به کلیسای خدا که در قرن‌هاست، به کسانی که در مسیح عیسی تقدیس شده‌اند و به عنوان مقدس فراخوانده شده‌اند، به همراه همه کسانی که در هر جا نام خداوند ما عیسی مسیح را می‌خوانند، که هم خداوند آنها و هم خداوند ماست، می‌نویسد.

من همیشه خدای خود را شکر می‌کنم، اول قرن‌تین ۱:۴، به خاطر فیض خدا که در مسیح عیسی به شما عطا شده است، و ادامه می‌دهد. جماعت در حال تقلا در قرن‌تین برخی از اعضای نجات نیافته داشتند. اول قرن‌تین ۵، پولس می‌گوید، به اصطلاح برادر را بیرون کنید، زیرا او از شرایطی که به گفته پولس در میان بت‌پرستان ناشناخته است، آزرده خاطر شده است.

مردی که با نامادری اش زندگی می‌کند باید نامادری اش باشد، نه مادر طبیعی اش، و همانطور که یک مرد با همسرش زندگی می‌کند، با نامادری اش زندگی کند. به خاطر خودش، به خاطر جلال خدا، و به خاطر خودش، او را بیرون کنید تا شاید توبه کند. ما فکر می‌کنیم شاید او این کار را کرده باشد.

اگر او همان کسی باشد که در دوم قرن‌تین آمده، پولس می‌گوید، بسیار خوب، او توبه کرده است. به او سخت نگیرید، کمی عقب‌نشینی کنید، او را بپذیرید. اگر همان شخص باشد، پس چنین داستانی در پی آن می‌آید. اما، در هر صورت، مؤمنان در عهد جدید به طرق مختلف شناسایی می‌شوند.

رایج‌ترین روش، شاید به هر حال از طریق عنوان، به عنوان برادر است، و مطمئناً می‌توانیم بگوییم برادران و خواهران، اما آنها در همه جا به عنوان کسانی که در مسیح، در مسیح عیسی و غیره هستند، شناخته می‌شوند. ریشه‌های این امر به اعمال رسولان، متی، مرقس و لوقا و به تاریخ عهد عتیق برمی‌گردد، زمانی که خداوند به قوم عهد خود هویت می‌دهد، به ویژه با شایسته دانستن خود برای خدای آنها، اعلام آنها به عنوان قوم خود و ساکن شدن در میان آنها. خروج ۲۵: ۸ و ۹. خداوند در حال ارائه دستورالعمل است.

در واقع، او در حال جمع‌آوری کمک برای ساخت یک خیمه، به ویژه مقدس‌ترین مکان، مکان مقدس و مقدس‌ترین مکان است. خروج ۲۵:۸ و ۹. و بگذارید آنها برای من یک پناهگاه بسازند تا من در میان آنها ساکن شوم، دقیقاً همانطور که در مورد الگوی خیمه و تمام مبلمان آن به شما نشان می‌دهم. پس، شما آن را بسازید.

می‌دانم که مدل‌های مختلفی از خیمه‌ها در نقاط مختلف کشور وجود دارد. یکی از آنها در جنوب است که من هنوز از آن بازدید نکرده‌ام. شاید در تنسی باشد.

شاید ایالت من اشتباه باشد، اما من اهل نیوجرسی، پنسیلوانیا، منطقه شرق هستم و از خیمه‌ای که توسط منونایت‌ها ساخته شده است، بازدید کرده‌ام، که توره‌های فوق‌العاده‌ای از آن برگزار می‌کنند، و من بسیار تحت تأثیر قرار گرفتم. آنها گفتند همه چیز طبق مشخصات کتاب مقدس ساخته شده است، به جز مواردی که مشخصات کتاب مقدس وجود ندارد، و سپس حتی به شما می‌گویند که چه چیزی زیباست. و بهتر است. باور کنید، آن زنان منونایت می‌توانستند گلدوزی کنند.

خب، حجاب و چیزهای دیگر فقط آثار هنری هستند، باشه؟ آثار هنری، و سینه‌بند کاهن اعظم، و کل ماجرا اما چیزی که توجه شما را جلب می‌کند این است که اولاً، وجود این خیمه، و شما آنجا ایستاده‌اید، و این مقیاس است.

تنها چیزی که ندارید حصار بیرونی است. آنها از پرچین استفاده می‌کردند، یا در آن زمان، 20 سال پیش، این کار را می‌کردند، اما در ارتفاع مناسبی قرار دارد. اول از همه، این نشان دهنده تمایل خدا به حضور در کنار قومش است.

مورد دوم، حصار، تنها ورودی از شرق، و تمام ضرورت قربانی و غیره، می‌گوید، اول از همه، وجود خیمه، می‌گوید، بیابید، و سپس همه چیزهای دیگر می‌گویند، نه، صبر کنید. یعنی، آنها فقط می‌توانند از طریق قربانی به روش مقرر خدا، از طریق کاهنان منصوب او، با پیروی از الگوهای خدا، و همانطور که اینجا می‌گوید، طبق

الگوی خیمه، به خدا نزدیک شوند. زبان عبری از این موضوع صحبت می‌کند و می‌گوید خدا از خیمه زمینی برای برقراری ارتباط با ما در مورد خیمه آسمانی استفاده می‌کند.

معنای آن، خود حضور خدا و خود بهشت است. بنابراین، آن تناقض ظاهری بین دعوت و طرد، با اعطای لطف الهی به اسرائیل برای انجام مراسم قربانی، برطرف می‌شود. آه، مردمان اطراف در معابد، کاهنان و قربانگاه‌ها قربانی می‌کردند، اما قربانی‌های آنها فایده‌ای نداشت.

عبرانیان ۹:۱۵ می‌گویند، در نهایت، از دیدگاه عهد عتیق، به دلیل قربانی منحصر به فرد عیسی که قرار است در آینده اتفاق بیفتد، قربانی‌های عهد عتیق مؤثر واقع شدند و بنی اسرائیل مؤمن که آمدند و گناهان خود را در مورد حیوانی که قرار بود قربانی شود اعتراف کردند، توسط خداوند متعال بخشیده شدند. خروج ۸:۲۵ و ۹ خداوند شریعت خود را به آنها می‌دهد و سپس دستور می‌دهد که برای من پناهگاهی بسازند تا در میان آنها ساکن شوم. خروج ۸:۲۵

خداوند به قوم فرمان می‌دهد که خیمه‌ای، چادری، بسازند تا حضور خداوند در میان آنها ساکن شود. هدف از خیمه همین است. خیمه قرار است محل سکونت خداوند در میان قومش باشد.

این نمایشی ملموس از تمایل خداوند برای یکی شدن با قومش با حضور در کنار آنهاست. او با آنها یکی می‌شود. من خدای شما هستم.

پیدایش ۱۷. ابراهیم، من خدا برای تو و نسل تو خواهم بود. و البته، طرف دیگر عهد، خدا است که ابراهیم را ادعا می‌کند.

وقتی ابراهیم حاضر می‌شود اسحاق را قربانی کند، خدا می‌گوید، اکنون می‌دانم که از من می‌ترسی. فیض خدا تماماً از جانب خداست. رستگاری یک مانرژیسیم است، تنها کار خدا.

این پیمان مونرژیک است، اما بلافاصله، به محض اینکه مردم را درگیر می‌کند، دوطرفه می‌شود. قوم خدا نسبت به کسانی که خدا را نمی‌شناسند، مسئولیت بیشتری در قبال خدا دارند. خدا با اقتدار این پیمان را با ابراهیم آغاز می‌کند و در حالی که ابراهیم در سرمای زمستان است، بین تکه‌های حیوانات قدم می‌زند.

چطور می‌توان توحید را بهتر از این نشان داد؟ خدا به معنای واقعی کلمه، عهد را به طور کامل فسخ می‌کند. اما، پس، همه چیز از اوست. این مونرژیک است.

اما بعد، بوم، ابراهیم مال خودش نیست. خدا زندگی، خانواده و آینده‌ی او را مطالبه می‌کند. خروج ۳۳

موسی، مطمئناً، همانطور که بعداً خواهیم دید، یک عهد عتیق است، شاید واسطه عهد عتیق. البته، این واسطه‌های عهد، که شامل آدم، نوح، موسی و داوود می‌شوند، به ذهن خطور می‌کنند؛ همه آنها به واسطه عهد جدید، یعنی عیسی، اشاره دارند. اما موسی مرا شگفت زده می‌کند.

مردم خیلی سرکش هستند. خدا می‌گوید، از سر راهشان کنار بروید. من این مردم را به رگبار می‌بندم. ما به اندازه کافی از بنی اسرائیل رنج خواهیم برد.

من قصد دارم یک گروه جدید تشکیل دهم. فکر می‌کنم می‌خواهم آن را «موسی‌ها» بنامم. موسی، فروتن‌ترین مرد روی زمین، در حضور خدا می‌ایستد و مخالفت می‌کند.

نه، پروردگارا، لطفاً این کار را به خاطر نامت انجام نده. باور نکردنی است. اینجا در خروج ۳۳، موسی جسارت می‌کند و از خداوند متعال می‌خواهد که جلال خود را به او نشان دهد، که منجر به وحی تعیین‌کننده نام الهی در خروج ۳۴ می‌شود.

خروج ۳۳. هویت خدا برای قومش مهم است. پس از ماجرای گوساله طلایی، شرم بر اسرائیل، شرم بر هارون

اینو انداختم تو آتیش، و این اومد بیرون. فلز رو انداختم. اوه، آرون، آرون

سرزنش کردن دیگران از باغ عدن شروع شد. و آدم گفت، پروردگارا، حق با توست. اعتراف می‌کنم، توبه می‌کنم.

من همسرم را گمراه کردم. لطفاً من را سرزنش کنید نه او را. نه، او این کار را نمی‌کند

او همسرش و غیرمستقیم، خدا را که او را به او داده بود، سرزنش می‌کند. سرزنش‌ها شروع شد. و کار آرون خیلی بی‌معنی است.

جواهرات را در آتش انداختم و این گوساله بیرون آمد. اوه، هارون، هارون، هارون. ما خیلی شبیه هارون هستیم، اینطور نیست؟ الهیات من در مورد ریاست مردانه می‌گوید وقتی هیچ‌کدام از طرفین حرکت نمی‌کنند، بین این دو قرار می‌گیرد. این کوه و یک تکه از والدین است.

شوهر باید فروتن باشد و از همسرش عذرخواهی کند. رهبری برای من به همین معناست. به هر حال، پس از ماجرای گوساله طلایی، خدا به موسی می‌گوید که مردم می‌توانند بدون حضور او به سرزمین موعود بروند.

ای وای. به سرزمینی که در آن شیر و عسل جاری است، بروید. خروج ۳۳، اما من در میان شما نخواهم آمد.

مبادا شما را در راه هلاک کنم، زیرا قومی گردنکش هستید. ای کلام من. نزد مردی بروید که شیر و عسل در آن جاری است، اما من در میان شما نخواهم آمد.

مبادا شما را در راه هلاک کنم، زیرا قومی گردنکش هستید. چه تصویری از سرکشی لجوجانه و اطاعت از خدا، گردنکشی. آه، به معنای واقعی کلمه.

قوم خدا چه واکنشی نشان می‌دهند؟ آیه چهارم. وقتی مردم این کلام فاجعه‌بار را شنیدند، من در حضور خودم با شما بالا نمی‌رفتم. دیگر با شما یاغیان همذات‌پنداری نخواهم کرد.

آنها سوگواری کردند، اما هیچ‌کس زیورآلات خود را نپوشید. زیرا خداوند به موسی گفته بود: به بنی اسرائیل بگو: شما مردمی گردنکش هستید. اگر لحظه‌ای با شما بیایم، شما را نابود خواهم کرد.

اکنون زیورآلات خود را از خود دور کن تا بدانم با تو چه کنم. بنابراین، بنی اسرائیل از کوه حوریب به بعد زیورآلات خود را از خود دور کردند. سپس موسی از طرف قوم نزد خداوند شفاعت می‌کند.

خروج ۱۵: ۳۳ و ۱۶. موسی خداوند به خداوند می‌گوید، جسارت او مرا شگفت‌زده می‌کند. اگر حضور تو با من همراه نیست، ما را از اینجا بیرون نیاور.

زیرا چگونه معلوم می‌شود که من در نظر تو مورد لطف قرار گرفته‌ام؟ آیا رفتن تو با من و قوم تو، ما را متمایز نمی‌کند؟ من و قوم تو از هر کس دیگری روی زمین متمایز هستیم. این هم از این. هویت این قوم با حضور خدای زنده که با آنها عهد بسته است، گره خورده است.

علیرغم شورش و بت‌پرستی وحشتناک آنها، موسی در کوه سینا مشغول فرامینی بود که بت‌پرستی را ممنوع می‌کرد. آنها در پای کوه سینا مشغول بت‌پرستی و گناهان دیگر هستند. اساس شفاعت موسی همین است.

مردم به حضور خدا نیاز دارند، زیرا همین حضور اوست که آنها را به آنچه هستند تبدیل می‌کند. هویت آنها به عنوان قوم متمایز خدا، مبتنی بر حضور خداوند در میان آنهاست. می‌توان گفت که روش اصلی که خدا با قوم خود هویت می‌یابد و خود را با آنها متحد می‌کند، و می‌توان گفت که پیشگویی از آموزه عهد جدید در مورد اتحاد با مسیح است، تعهد او به حضور در میان آنهاست.

لاویان ۲۶. لاویان ۲۶ یک مشکل قابل توجه را مطرح می‌کند. چطور ممکن است خدای مقدس و عادل در میان چنین مردمی گناهکار ساکن باشد؟ لاویان ۱۱: ۲۶ تا ۱۳

عذرخواهی می‌کنم. اوه، این مشکل من است. این لاویان است، نه اعداد.

اعداد ۲۶ کاملاً درست نبود؛ اینجا کاملاً درست نبود. لاویان ۲۶. بابت بی‌دقتی‌ام عذرخواهی می‌کنم.

تا ۱۳. من در میان شما ساکن خواهم شد و جانم از شما بیزار نخواهد بود، و در میان شما راه خواهم ۱۱ رفت و خدای شما خواهم بود و شما قوم من خواهید بود. من یهوه، خدای شما هستم که شما را از سرزمین مصر بیرون آوردم تا برده آنها نباشید.

و من میله‌های یوغ شما را شکسته‌ام و شما را راست و استوار راه برده‌ام. چگونه یک خدای مقدس می‌تواند در کنار چنین قوم گناهکاری حضور داشته باشد؟ اولاً، شخصیت خدا هم مقدس و عادل است، و هم بخشنده و مهربان. ما از وحی کامل کتاب مقدس از شخصیت خدا سپاسگزاریم.

ما، برای اینکه خدا را بفهمیم، در مورد صفات یا ویژگی‌های او یکی یکی صحبت می‌کنیم، اما می‌توانیم این تصور غلط را ایجاد کنیم که او، فقط می‌گوییم ۱۸ صفت، مطمئن نیستم چند تا هستند، روش‌های مختلفی برای شمارش وجود دارد، شاید بین ۱۶ تا ۲۰ تا، مثل ۱۸ تکه یک پای باشند، و خدا ۱/۱۸ قدوس و ۱/۱۸ مهربان و ۱/۱۸ چی؟ نه، نه. خدا همه چیز را با هم دارد، قادر مطلق، حکیم، مهربان، مهربان، عادل، مقدس، همه جا حاضر و غیره. و تصویر کلی از کمالات او، همانطور که پیوریتن‌ها آن را می‌نامیدند، بسیار باشکوه است زیرا اگر خدا مقدس و عادل بود و صبور، مهربان و دوست‌داشتنی نبود، زندگی چگونه می‌بود؟ ما در مقابل او سر تعظیم فرود می‌آوریم.

زندگی چگونه می‌بود اگر او مهربان، بخشنده و وفادار بود، و نه قدرتمند، ناتوان از انجام کاری در مورد آن، در مورد گرفتاری ما؟ به هر حال، ویژگی‌های او در شخص او منسجم هستند، و او همه با هم است، همه ویژگی‌هایش به طور همزمان، و او در وجود، خرد، قدرت، تقدس، عدالت، نیکی و حقیقت خود، همانطور که در کتاب مقدس وست‌مینستر آمده است، بی‌نهایت، ابدی و تغییرناپذیر است، و ما او را تا حدی درک می‌کنیم، و همانطور که سنت آگوستین گفت، او را پرستش می‌کنیم، حتی زمانی که کاملاً نمی‌فهمیم. این خوب است زیرا ما هرگز کاملاً نخواهیم فهمید. برای همیشه، تمایز خالق-مخلوق معتبر است.

خدا همیشه بی‌نهایت و جاودان خواهد بود. ما همیشه مخلوقات او خواهیم بود، و این چیزی است که بهشت را از آسمان‌ها و زمین جدید بهتر، و به طرز خارق‌العاده و جاودانه‌ای جالب خواهد کرد. ما هرگز از خدا خسته نخواهیم شد.

ما هرگز به اعماق وجود او پی نخواهیم برد و از او خسته نخواهیم شد. شخصیت او هم مقدس و هم عادل است، آمین، و هم بخشنده و هم مهربان، آمین. آیا ما خوشحال نیستیم؟ خدا به روابط عهد خود پایبند است.

هر سه تصویر از متن، یعنی سکونت با قومش، راه رفتن در میان قومش و خدای آنها بودن، از رابطه‌گرایی سخن می‌گویند. کتاب مقدس خدا را نه چندان در ذات نامرئی و ابدی‌اش، بلکه به عنوان خدایی که با قومش عهد می‌بندد، حداقل از پیدایش ۱۲ به بعد، عهد موزاییکی، و حتی نوعی عهد خلقت یا عهد اعمال در باغ عدن وجود دارد. افراد خوب برداشت‌های متفاوتی از این موضوع دارند، اما مطمئناً عهدی از زمان خلقت وجود دارد.

بنابراین ما خدا را به واسطه مکاشفه عهدی او می‌شناسیم که درباره روابط عهدی او با قومش به ما می‌گوید. او هم مقدس و هم عادل، هم مهربان و هم بخشنده است. او در یک رابطه به قوم خود متعهد می‌شود و تصاویر لاویان ۱۱: ۲۶ تا ۱۳، که با قوم خود ساکن است، در میان آنها قدم می‌زند و خدای آنهاست، از این موضوع سخن می‌گویند.

لاویان تصریح می‌کند که حضور خدا در میان قومش نوعی اتحاد است، همانطور که در واقع از پولس در دوم قرن‌تیا ۱۶: ۶ خواهیم دید. نمی‌توانم جلوی خودم را بگیرم و آن را نخوانم. وقتی پولس درباره اتحاد کلیسا با خدا در مسیح صحبت می‌کند، همانطور که حدس زدید، همان عبارتی را که خواندیم نقل می‌کند.

دوم قرن‌تیا ۶، پولس با اتحاد روحانی با بی‌ایمانی مخالفت می‌کند. مردان قرن‌تس همچنان به معابد بت‌پرستان می‌روند. پولس می‌گوید نه

اول از همه، هیچ کاری با فحشای بت‌پرستان نداشته باشید، اول قرن‌تیا ۶. پولس می‌گوید شما مرا رسوا می‌کنید. مگر نمی‌فهمید؟ اتحاد با مسیح دائمی است، و وقتی شما به عنوان فاحشه به اعضای خود می‌پیوندید، به عنوان یک فاحشه به مسیح می‌پیوندید. وحشت! نه تنها این، بلکه در اول قرن‌تیا ۱۰، با صحبت از این واقعیت که مؤمنان معتقدند شام خداوند مشارکت در بدن و خون مسیح است، آن را با گفتن اینکه قرن‌تیا، که عمدتاً مردان نادان در جماعت هستند، به معابد بت‌پرستان می‌روند و به نوعی با بت‌ها درگیر می‌شوند، نشان می‌دهد.

نه، پولس می‌گوید. شیاطین پشت این چیزها هستند. این جنبه‌ی تاریک ماجراست

از آن دوری کنید. البته بت‌ها چیزی نیستند، و احتمالاً تمام غذاهای قرن‌تس به نوعی بت تقدیم می‌شد، اما از معابد دوری کنید. آنها مرکز شرارت و تاریکی هستند و در آنجا قربانی‌هایی برای شیاطین داده می‌شود، نه برای خدا.

او می‌گوید: «من نمی‌خواهم شما از جام خداوند و جام شیاطین بنوشید.» و به این مفهوم که مؤمنان در آیین عشاء ربانی در بدن و خون مسیح سهیم هستند، اهمیت فوق‌العاده‌ای می‌دهد. پس از هفت بار گفتن، زیر یوغ نامساوی با کافران نروید. منظور ازدواج نیست.

آیا ازدواج یک پیوند مذهبی است؟ بله. آیا این متن می‌تواند در مورد ازدواج نیز صدق کند؟ بله. اما آیا در مورد ازدواج صحبت می‌کند؟ خیر.

اول قرن‌تین ۷ درباره ازدواج صحبت می‌کند. او هفت بار چیزی شبیه به این می‌گوید. معبد خدا چه وجه اشتراکی با بت‌ها دارد؟ سپس می‌گوید، زیرا ما معبد خدای زنده هستیم، همانطور که خدا گفته است

من در میان آنها ساکن خواهم شد و در میان آنها راه خواهم رفت. من خدای آنها خواهم بود و آنها قوم من خواهند بود.

و سپس به آنها می‌گوید که بیرون بیایند و خود را از اتحاد با کفر روحانی جدا کنند. و اگر این کار را بکنند، من برای شما پدر خواهم بود و شما برای من پسران و دختران خواهید بود، فرموده خداوند متعال. این نکته قابل توجه است زیرا در واقع از دختران نام می‌برد.

واعظان به درستی درباره پسرخواندگی صحبت می‌کنند. و البته، این به پسر بی‌نظیر بودن عیسی و کسب مقام او از طریق فیض و ایمان توسط ما مربوط می‌شود. و بنابراین از مردان و زنان به عنوان پسر یاد می‌شود.

اما این زیباست. در واقع از اصطلاحی که در دوم قرن‌تین ۶ آمده استفاده می‌کند. من برای شما پدر خواهم بود و شما برای من پسران و دختران خواهید بود. زیباست.

، من آن را دوست دارم. لاویان تصریح می‌کند که حضور خدا در میان قومش، نوعی اتحاد با خداست همانطور که از نقل قول‌های پولس در دوم قرن‌تین ۱۶: ۶ می‌بینیم. منطق این است که خدا با حضور خود در میان قومش، خود را با آنها متحد کرده است.

اشعیا ۷، ۱۰ تا ۱۴. من روی این موارد کار می‌کنم چون کمتر شناخته شده‌اند. همچنین خوب است که در هر دو عهد عمیق شویم تا پیام عهد جدید را درک کنیم.

جدا از متن قدیمی، غیرقابل درک است. اشعیا ۷. آحاز پادشاه وانمود می‌کند که روحانی است، اما خدا بهتر می‌داند. اوه، حرف من این است.

تا ۱۴. دوباره، خداوند به آحاز فرمود: از خداوند، خدای خود، نشانه‌ای بخواه ۱۰.

بگذار مثل هاویه عمیق باشد یا مثل آسمان بلند. اما آحاز می‌گوید من درخواست نخواهم کرد. من خداوند را آزمایش نخواهم کرد.

، او با انجام این کار، برخلاف فرمان خدا عمل می‌کند. و به او گفت، و گفت: «پس بشنوید، ای خاندان داوود، خدا سخن می‌گوید. آیا برای شما کم است که مردم را خسته کنید که خدای مرا نیز خسته می‌کنید؟» بنابراین خود خداوند به شما نشانه‌ای خواهد داد.

بنگر، باکره باردار شده و پسری به دنیا خواهد آورد و نام او را عمانوئیل خواهد گذاشت. اشعیا ۷ نگاهی اجمالی به چگونگی نقش ایده حضور خدا در داستان کتاب مقدس ارائه می‌دهد. اشعیا برای آحاز پادشاه که به دنبال نجات‌دهنده‌ای بوده است، پیشگویی می‌کند.

نکته کلیدی اینجاست. او جدا از خداوند، به متحدان سیاسی تکیه خواهد کرد. و خداوند به او می‌گوید که رهایی نهایی اسرائیل از جانب خود خداوند خواهد بود.

آیه ۱۴، که پسری از خاندان داوود به عنوان نشانه‌ای از حضور خدا خواهد آورد. او عمانوئیل یا خدا با ما نامیده خواهد شد. می‌توانید آن را «خدا با ماست» ترجمه کنید.

متی ۱:۲۲، ۲۳ این آیات صوتی را نشان می‌دهد که به آمدن عیسی به عنوان مسیح خدا اشاره دارند. من، دوست دارم دوباره وقت بگذارم و نقل قول‌های عهد جدید را نشان دهم تا عهدین را به هم پیوند دهم. همانطور که خود خداوند این کار را کرده است. یوسف پریشان بود.

او نمی‌توانست بفهمد. آیا مریم به او خیانت کرده بود؟ اصلاً منطقی نبود. او باردار بود.

و سپس در خواب، خداوند حقیقت را آشکار می‌کند. برای او، این کار انسانی نبود، بلکه کار الهی بود. متی ۱:۲۲

خب، اول از همه، ۲۰ ای یوسف، پسر داوود، از گرفتن همسرت مریم نترس. زیرا آنچه در رحم اوست از روح القدس است. متی مختصرتر از لوقا است.

او فقط این را خلاصه کرد. او پسری به دنیا خواهد آورد. نام او را عیسی خواهی گذاشت، زیرا او قوم خود را از گناهانشان نجات خواهد داد.

همه اینها برای تحقق آنچه خداوند به زبان نبی گفته بود، رخ داد. اینک باکره باردار شده و پسری به دنیا خواهد آورد و نام او را عمانوئیل خواهند نامید، که به معنی «خدا با ماست». «بدین ترتیب، اشعیا ۷ به آمدن عیسی به عنوان مسیح اسرائیل اشاره می‌کند.

یک متن دیگر. حزقیال ۳۷. من عمداً این آیات را در سراسر عهد عتیق پراکنده کرده‌ام تا وسعت شهادت به این حقایق را نشان دهم، این حقایق بنیادی که در قوم هویت خدا در اتحاد با مسیح به صورت فردی و جمعی به تحقق خواهند رسید.

حزقیال ۳۷. داوود، یکی از چندین میانجی عهد عتیق، پیشگویی داوود بزرگتر، مسیح، است که برای همیشه در این سرزمین، پادشاه چوپان اسرائیل خواهد بود. او پیمان صلح ابدی با آنها خواهد بست و او تقدیس کننده، پناهگاه خود را در میان آنها و فرزندان آنها قرار خواهد داد.

در راستای تحقق وعده‌های عهد، خدا با آنها ساکن خواهد شد. او خدای آنها خواهد بود و آنها قوم او خواهند بود. حزقیال ۳۷، از ۲۴ شروع می‌شود.

بنده من داوود پادشاه ایشان خواهد بود و همه آنها یک شبان خواهند داشت. آنها طبق قوانین من رفتار خواهند کرد و از فرایض من پیروی خواهند نمود. آنها در سرزمینی که به بندهام یعقوب می‌دهم، جایی که پدران آنان در آن زندگی می‌کردند، ساکن خواهند شد.

ایشان و فرزندان ایشان و نوادگان فرزندان ایشان تا ابد در آنجا ساکن خواهند بود. و بنده من، داوود، تا ابد رئیس ایشان خواهد بود. من با ایشان پیمان صلح خواهم بست.

این عهدی جاودان با ایشان خواهد بود و ایشان را در سرزمینشان ساکن خواهم ساخت و ایشان را کثیر خواهم ساخت و مقدس خود را تا ابد در میان ایشان قرار خواهم داد. مسکن من با ایشان خواهد بود و من

خدای ایشان خواهم بود و ایشان قوم من خواهند بود. آنگاه امت‌ها خواهند دانست که من یهوه هستم که اسرائیل را تقدیس می‌کنم، هنگامی که مقدس من تا ابد در میان ایشان باشد.

اگرچه افراد خوب در این مورد بحث می‌کنند، من در نهایت آن را به عنوان یک پیشگویی در مورد اسرائیل، معنوی، قوم خدا که از او اطاعت می‌کنند، و مسیح او، پادشاه، واسطه واقعی در زمین جدید برای همیشه درک می‌کنم. خدا به آنها صلح خواهد داد، آنها را تقدیس خواهد کرد و در تحقق کامل وعده‌های عهد قبلی خود در میان آنها ساکن خواهد شد. بنابراین، حضور خدا در میان قومش نیز آخالزمانی است و به آینده‌ای اشاره دارد که حضور خدا در میان قومش برای همیشه برقرار خواهد شد.

یکی از تصاویر بهشت یا نجات نهایی، حضور خداست. ما آن را در باغ عدن، در کلمات مربوط به پس از سقوط، می‌بینیم. آدم و حوا از موسی می‌نویسند: صدای خداوند خدا را شنیدم که در باغ قدم می‌زد.

آنها به آن صدا عادت داشتند، اما کاری که بعدش انجام دادند برایشان عادت نبود. خودشان را از خدا پنهان کردند. چقدر احمقانه.

آنها صدای مشارکت خدا با خود را می‌شنیدند، اما خود را از او پنهان می‌کردند. تاریخ عهد عتیق را می‌توان به راحتی در پرتو حضور خدا مطالعه کرد. ستون آتش در شب، ستون ابر در روز، با اسرائیل می‌رفت، وقتی که باید می‌ایستادند، می‌رفت وقتی که باید می‌رفتند.

مظاهر ماوراءالطبیعه و مرئی مانند ستون‌ها، یکی با ابر، یکی با آتش. شما می‌توانید آن را چراغ شب الهی برای قوم خدا در نظر بگیرید. با این حال، آنها علیه خداوند عصیان و گناه کردند و مرتکب گناهان اول قرنیتان ۱۰ شدند، که پولس به مسیحیان عهد جدید هشدار می‌دهد از آن اجتناب کنند.

غرغر کردن، فساد جنسی، بت‌پرستی و چیزهای دیگر. این به من یاد می‌دهد که فقط با یک چیز فرعی کنار بیایم. خدای آزمایشگر.

بله، آزمایش خدا هم یکی دیگر از این موارد است. پولس می‌گوید این چیزها برای منفعت ما نوشته شده‌اند و هیچ وسوسه‌ای شما را فرا نگرفته است، همانطور که برای خدا معمول است. او می‌گوید، اول از همه، توجه کنید.

او می‌گوید هیچ وسوسه‌ای منحصر به فرد نیست، اما خداوند راه فراری را که بتوانید تحمل کنید، فراهم می‌کند. در راه‌های عهد عتیق خود، در راه‌های قوم خدا در عهد عتیق، در شورش علیه خدا گام برندارید. سه تصویر، سه مضمون، شناسایی، ادغام، و سوم، مشارکت.

نتیجه‌گیری از مورد اول، تعهد خدا برای متحد کردن خود با قومش از طریق حضور هویت‌بخش خود، در نهایت با تبدیل شدن به یکی از آنها، در هویت او با آنها محقق می‌شود. همانطور که پسر ابدی خدا جسم یعنی جسم و روح انسانی را برای خود اختیار می‌کند، تعهد نهایی خدا برای هویت یافتن با قومش در اتحاد با آنها، فرستادن پسرش به شکل جسم انسانی است، فیلیپیان ۲: ۷. او که در قالب خدا وجود داشت، شکل یک بنده را به خود گرفت. او که در قالب یک انسان یافت شد، با مطیع شدن به مرگ، حتی مرگ صلیب، به گفته پولس، حتی مرگ بر روی صلیب، خود را فروتن کرد تا قوم خود را نجات دهد و آنها را با خود و یکدیگر یکی کند.

در تجسم مسیح، خدا ساکن است، به دو معنی یوحنا ۱: ۱۴، کلمه جسم شد و در میان ما ساکن شد. اسکنائو به معنای ساکن شدن است. همچنین به معنای خیمه زدن است.

یوحنا از دو معنی استفاده می‌کند. در تجسم مسیح، خدا ساکن است، او در میان قوم خود خیمه می‌زند، جلال او در جسم مسیح پنهان است، و با این حال در تغییر شکل خداوند ما آشکار می‌شود. در تجسم مسیح، خدا با قوم خود ساکن است و تعهد خود را برای همیشه با آنها بودن تأیید می‌کند.

سخنان عیسی در انتهای انجیل متی را با مأموریت بزرگ مقایسه کنید، و ببینید، من همیشه تا پایان عصر با شما هستم. وقتی مسیح روح را در پنطیکاست می‌فرستد تا با مؤمنان عهد جدید باشد و آنها را با خود متحد کند، به آنها این هویت را می‌دهد. آنها در مسیح به عنوان قوم خدا هستند.

دوباره می‌گوییم، ما ادعا نمی‌کنیم که عهد عتیق اتحاد با مسیح را آموزش می‌دهد. ما ادعا می‌کنیم که عهد عتیق، به‌ویژه در این زمینه، پایه‌هایی را با هویت، حضور عهدی خدا، شناسایی او به عنوان خدای آنها و آنها به عنوان قوم او، که پایه و اساس است، بنا می‌کند. این به نوعی بخشی از پس‌زمینه‌ای است که باید اتحاد با مسیح را در تجسم پسر و ریختن روح او در پنطیکاست، در برابر آن درک کنیم.

این چیزها در خلأ نمی‌آیند. آنها در قطار، در حال آشکار شدنِ مکاشفه ویژه کتاب مقدس، می‌آیند و ریشه‌های آن در عهد عتیق است. در سخنرانی بعدی‌مان، به دومین جنبه از سه جنبه یا تصویر، یعنی ادغام و عضویت در قوم عهد خدا، خواهیم پرداخت.

این دکتر رابرت پترسون در حال تدریس در مورد روح القدس و اتحاد با مسیح است. این جلسه ۵، مبانی اتحاد با مسیح، شناسایی عهد عتیق است.